

## تاریخ بیهقی و پژوهش‌های ادبی

دکتر عبدالرضا مدرس زاده

دانشیار زبان ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان

### چکیده

**تاریخ بیهقی** به عنوان یکی از مهم‌ترین و نام‌دارترین متون نثر فارسی، در همه هزاره‌ی گذشته مورد توجه و احترام دوست‌داران ادب فارسی بوده است. این کتاب که چند برابر آن چه اکنون در دست داریم، بخش‌های گم شده و از دست رفته دارد، به رغم این که با محوریت دوره مسعود غزنوی فراهم شده است، کتابی صرفاً تاریخی و سیاسی نیست و اعتبار و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و به ویژه اخلاقی آن قابل توجه است.

در مقاله حاضر ضمن مرور کردن ارزش‌های این کتاب، گزارشی از طرحی تحقیقی که درباره این کتاب به مناسبت گردآوری مقالات گوناگون محققان فراهم شده است تقدیم خوانندگان می‌شود.

در مقاله حاضر ضمن مرور کردن ارزش‌های این کتاب، گزارشی از طرحی تحقیقی که درباره این کتاب به مناسبت گردآوری مقالات گوناگون محققان فراهم شده است تقدیم خوانندگان می‌شود.

**واژگان کلیدی:** تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی، پژوهش‌های ادبی، مقالات ادبی.

## ۱- مقدمه

**تاریخ بیهقی** اثر نویسنده توانمند خراسان بزرگ - ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی - امروز با نام یکی از یادگارهای ارزشمند زبان و ادب فارسی توجه و علاقه همه اهل ادب و علاقه‌مندان فنون ادبی را به خود جلب کرده است و شگفت این که این کتاب با ارزش به رغم آن که بخش زیادی از صفحات خود را از دست داده است، هنوز در کار جلوه‌گری و دل‌ربایی است.

تردیدی نیست که تمدن با شکوه سامانی به رغم سپری شدن دوره‌ی تاریخی و افتادن ایران به دست ترکان غزنوی، از اثر آفرینی و تأثیرگذاری باز نایستاده است و آن چه که با پسوند بیهقی و نیشابوری و هروی و بخاری از دانشمند و ادیب و شاعر در قرن پنجم سراغ داریم، بازمانده‌ی آن دوره‌ی پرشکوه و در نوع خود بی‌تکرار است.

از حسن اتفاق، غزنویان تنها کوشش درست‌شان - در نوع خود - آن بود که پای جای پای سامانیان نهادند و به این تشخیص رسیدند که از اهل علم و شعر و ادب بی‌نیاز نیستند. از این رو کسانی چون ابوریحان بیرونی دانشمند و منجم و ریاضی‌دان و ابونصر مشکان دبیر و نویسنده و امثال آن‌ها را گرامی می‌داشتند و از اصرار خود برای استقبال و در حضور خود داشتن با این سینا هم هیچ‌گاه دست برداشتند.

پایان دوره‌ای که **تاریخ بیهقی** در آن نوشته شده است، به معنی آغاز استیلای کامل عنصر ترک در روابط و مناسبات سیاسی و فرهنگی ایران و توجه بیش‌تر به خلافت عباسی بغداد و در نتیجه روی آوردن دوباره به زبان و ادب عربی است و در این مقطع است که ارزش کار ماندگار سامانی‌ها در حفظ استقلال نسبی ایران خود را نشان می‌دهد و نیز در می‌یابیم که دوره‌ی غزنوی اندک مایه‌ای از این آبشخور زلال و روان را با خود بیش‌تر ندارد.

به هر روی، این ابوالفضل بیهقی که از حارث آباد بیهق خود را مانند دیگر مستعدان و علاقه‌مندان به پایتخت می‌رساند، موفق می‌شود در سایه پرورش و راهنمایی‌های دقیق و اثرگذار بونصر مشکان راه را بیابد و در دربار به خدمت فرهنگی و سرانجام دبیری بپردازد.

**تاریخ بیهقی** محصول و یادگار این خدمت‌نویسنده در دربار است و البته او به سبب علاقه‌ای که به کار خود دارد با تشخیصی درست به ثبت مقطعی طولانی‌تر از تاریخ می‌پردازد. از این رو «دوره‌ی سی جلدی کتاب از سال ۴۰۹ یعنی اواسط کار محمود و پایان آن اندکی پیش از درگذشت مؤلف یعنی زمان سلطنت ابراهیم بن مسعود بوده است.» (سعادت، ۱۹۳: ۱۳۸۶)

با این همه، ارزش کتاب صرفاً اطلاعات سیاسی دوره‌ی غزنوی نیست «بلکه از جهات

دیگری چون اطلاعاتی درباره‌ی تاریخ غزنویان پیش از مسعود<sup>۱</sup>، تاریخ سامانیان، سلجوقیان و صفاریان، روش کار مؤلف، درستی مطالب و دقت بیهقی و آداب و رسوم بسیاری و نیز آگاهی‌های سودمند از شعر، و نویسندگانی که اطلاع ما از آن‌ها تنها منحصر به همین کتاب است، دارای ارزش است.» (انوشه، ۲۴۴: ۱۳۸۱)

نیز از یاد نبریم که **تاریخ بیهقی** در مقایسه با کتاب‌های هم‌جنس خود مانند **تاریخ بلعمی** یا **هم‌روزگار خود مانند قابوس نامه** و **سیاست نامه**<sup>۲</sup> و حتی کتاب‌هایی که بعد از آن آمده‌اند و نتوانسته‌اند این کتاب را از نظر برانند و پشت سر بگذارند، مانند: **تاریخ جهانگشا** و ... ، ارزش‌مندی‌هایی منحصر به فرد دارد که برخی از آن‌ها را بایست در روحیه و منش و تربیت شخصی نویسنده جستجو کرد که از میان شش ویژگی عمده کتاب مانند «امانت تاریخی، توجه به جزئیات، شخصیت‌پردازی، برخورد فلسفی و انسانی، توان‌مندی راوی به عنوان قصه گو و سبک زنده و پرنشاط» (موسوی بجنوردی، ۲۰۹: ۱۳۸۵) کاملاً این صفات مشهود و برجسته است.

می‌دانیم که نویسنده‌ای که در برابر کار می‌کند و به عبارتی با «قدرت سیاسی» با همه خطرهایش مأنوس است، کاری دشوار پیش رو دارد که البته بیهقی از عهده تعامل با قدرت به نیکی برآمده است. او «از نقل آن چه روی داده است، به همان گونه که روی داده است پرهیز ندارد و در مورد آن چه نمی‌تواند همه چیز را به بیان آرد، ظاهراً سکوت را بر نقل دروغ ترجیح می‌دهد و این چیزی است که خواننده به او اعتماد می‌کند.» (زرین کوب، ۱۲۴: ۱۳۷۵)

## ۲- بحث و بررسی

### ۲-۱- تاریخ بیهقی و پژوهندگان:

#### ۲-۱-۱- کوشش‌های محققان فرنگی:

یکی از ویژگی‌های خاص کتاب **تاریخ بیهقی** - که برای آثار اندک دیگری این ویژگی را سراغ داریم - آن است که این کتاب برای نخست بار در بیرون از ایران و در هند منتشر شده است، هر چند که سرزمین هند در سده‌ی نوزدهم میلادی خود از سرزمین‌هایی است که از حوزه‌های رواج زبان فارسی به شمار می‌رود.

«در نیمه‌ی سده نوزدهم مورلی دانش‌مند انگلیسی نخستین چاپ این کتاب را در کلکته منتشر کرد. سپس بارتولد شرق شناس روسی - به دلیل احتوای کتاب بر اخبار سرزمین ماوراء النهر که در روزگار نویسنده جزء خاک روسیه بود - آن را شرح کرد. نیز ژیلبر لازار فرانسوی و باورانی ایران شناس ایتالیایی و استوری محقق انگلیسی و باورث

متخصص تاریخ غزنویان، هر کدام از جهتی کتاب **تاریخ بیهقی** را بررسی کرده‌اند.» (سعادت، ۱۹۶: ۱۳۸۶)

نمی‌توان پذیرفت که مورلی محقق انگلیسی که در سرزمین هند به امور فرهنگی و سیاسی سرگرم بوده است، ابتدا به ساکن و بی‌مقدمه به چاپ سنگی کتاب **تاریخ بیهقی** اقدام کرده باشد، بلکه می‌توان حدس زد شهرت فراوان این کتاب در سرزمین شبه قاره و این که زبان زد اهل علم و فضل بوده است و نسخه‌های خطی پراکنده آن مورد استفاده ادیبان و فارسی‌خوانان بومی شبه قاره بوده است<sup>۳</sup>، این محقق انگلیسی را بر آن داشته است که این کتاب را برای نخستین بار (۱۸۶۲ م.) به چاپ برساند.

قاعدتاً دیگر محققان ایران‌شناس هم هنگامی که به مطالعات تاریخی و فرهنگی درباره ایران روی می‌آورده‌اند از مطالعه و بررسی موشکافانه کتاب **تاریخ بیهقی** برکنار و بی‌نیاز نبوده‌اند. در این میان کوشش‌های کم نظیر خانم والدمن ادیب آمریکایی که برای نخست بار به بحث ساختار داستان‌های **تاریخ بیهقی** و به ویژه مبحث توالی داستان‌ها به خوبی توجه کرده است، ستودنی و شایان یاد کرد است.

#### ۲-۱-۲- کوشش‌های محققان ایرانی:

از این که نخستین چاپ **تاریخ بیهقی** در ایران به صورت چاپ سنگی در سال ۱۳۰۵ خورشیدی و ۶۳ سال پس از چاپ مورلی در کلکته روی داده است، درمی‌یابیم که در این مدت نسخه‌هایی از چاپ کلکته در دست ادیبان ایرانی بوده است که سرانجام سید احمد ادیب پیشاوری موفق می‌شود این کتاب را در ایران هم به چاپ برساند.

چهارده سال بعد از این چاپ (۱۳۱۹) استاد نفیسی کتاب را با نام **تاریخ مسعودی** معروف به **تاریخ بیهقی** منتشر می‌کند که در واقع اولین چاپ سربی از کتاب است. پنج سال بعد، دکتر علی اکبر فیاض و دکتر قاسم غنی - که هر دو خراسانی‌اند - این کتاب را با تصحیح تازه‌ای منتشر می‌کنند (۱۳۲۴).

استاد سعید نفیسی، بعد از چاپ اول این کتاب از همان سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۳۲ تاریخ مسعودی را در سه جلد با تعلیقات و توضیحات مفصل منتشر می‌کنند.

اما چاپ این کتاب در سال ۱۳۵۰ - به مناسبت کنگره بین‌المللی هزاره‌ی بیهقی (۱۹ تا ۲۵ شهریور ۱۳۴۹ مشهد) از سوی دکتر علی اکبر فیاض نقطه‌ی عطفی در تصحیح و تدوین کتاب **تاریخ بیهقی** است که از دقت نظر و ژرف‌کاوی‌های استاد فیاض خالی نیست<sup>۴</sup>، هر چند استاد فیاض خود به هنگام نشر کتاب روی در نقاب خاک کشیده بود.<sup>۵</sup>

چاپ سه جلدی کتاب به وسیله دکتر خلیل خطیب رهبر هم در واقع رونوشتی از چاپ استاد فقید دکتر فیاض است (ر.ک. خطیب رهبر، سی وهفت: ۱۳۷۵) که در سال‌های اخیر در دانشگاه‌ها بسیار مورد توجه واقع شده است.

تصحیح و چاپ جدیدی را هم استاد منوچهر دانش پژوه از **تاریخ بیهقی** روانه بازار کرده‌اند که چندان برجستگی‌هایی بیش از نسخه چاپی دکتر فیاض ندارد.

آخرین کوشش در تصحیح و چاپ کتاب **تاریخ بیهقی** را آقایان دکتر محمد جعفر یاحقی و مهدی سیدی در سال ۱۳۸۸ انجام داده‌اند و این کتاب را در دو جلد (یک جلد متن کامل و یک جلد فهرست‌ها و تعلیقات و نقشه‌ها) منتشر کرده‌اند. این تصحیح توانسته است دو گام اصلی و اساسی بردارد، یکی این که از علامت‌های اختصاری نسخه‌ی مرحوم دکتر فیاض رمزگشایی کند<sup>۷</sup> و دیگر این که برخی تازگی‌ها در تصحیح را پیش روی اهل ادب قرار دهد از جمله این که:

عبارت معروف: «مادر حسنگ زنی بود سخت جگرآور چنان شنیدم دو سه ماه ...» به صورت صحیح‌تر: «مادر حسنگ زنی بود سخت‌جگر. او را مصیبت فرزند ...»  
به نظر می‌رسد که عبارت جگرآور در هیچ متن فارسی نیامده است و لغت‌نامه دهخدا هم صرفاً همین جمله‌ی بیهقی را شاهد آورده است.  
یا عبارت: «فضل در جای دیگر نشیند» به صورت: «از روی فضل در جای دگر نشیند» آمده است.

مصححان تأکید کرده‌اند که علی‌رغم یافتن نسخه‌های بسیار، هیچ کدام از این نسخه‌ها یک جمله و عبارت از **تاریخ بیهقی‌های** موجود بیش‌تر ندارند<sup>۷</sup> و آن چه هست مربوط به تغییرات و تصرفات و الحاقات داخل همین نسخه‌ی موجود است.

## ۲-۲- تاریخ بیهقی و پژوهش‌های انتقادی:

با چاپ و انتشار کتاب **تاریخ بیهقی** در ایران، استادان و ادیبان به نقد و بررسی کتاب و اظهار نظر درباره آن اقدام کردند.

اولین مقاله را درباره این کتاب صادق رضازاده شفق با نام «بوالفضل بیهقی و تاریخ بیهقی» در سال ۱۳۱۰ (۵ سال پس از چاپ کتاب توسط استاد ادیب پیشاوری در ایران) در مجله **ارمغان** نوشته است. (ر.ک. افشار، ۱/۲۴۵: ۱۳۸۴)

مقاله دوم را استاد عباس اقبال در سال ۱۳۱۱ با نام «یک صفحه از مجلدات مفقوده **تاریخ بیهقی**» نوشته است. (ر.ک. همان، ۸/۱)

مقاله سوم را استاد فقید و ادیب بزرگ افغانستان خلیل الله خلیلی در سال ۱۳۲۱ خورشیدی در مجله‌ی افغانی **آریانا** نوشته است که در واقع نقدی است بر تصحیح استاد سعید نفیسی از **تاریخ بیهقی**. (ر.ک. همان، ۳۱/۱)

شایان گفتن است اولین مقاله‌ای را که نویسنده‌ی آن از استادان جوان و دانش‌آموخته‌ی استادان کهن سال و فاضل دوره‌ی قبل می‌باشد، استاد فقید دکتر غلامحسین یوسفی در سال دوم مجله‌ی ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۳۸) با نام «گزارش‌گر حقیقت»

<sup>۸</sup> نوشته است. (ر.ک. همان، ۳۸/۲)

بعد از برگزاری هزاره جهانی بیهقی (۱۳۴۹) و نیز انتشار تصحیح درست و دقیق استاد فیاض از این کتاب، انتشار مقاله درباره‌ی **تاریخ بیهقی** و نیز شخصیت ابوالفضل بیهقی، شکلی جدی‌تر به خود گرفت که البته تا امروز خوش‌بختانه سیری صعودی داشته است، هر چند که در مواردی برخی مقالات پربزرگ و کم بار بوده است.

گزارش سه دهه بیهقی پژوهی چنین است:

از ۱۳۵۱ تا ۱۳۶۰ جمعاً شش مقاله با موضوع بیهقی و **تاریخ بیهقی** نوشته شده است. (ر.ک. افشار، همان) و از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰ یازده مقاله‌ی ثبت شده سراغ داریم، ولی از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۶ تعداد ۱۴ مقاله می‌شناسیم که نشان می‌دهد کار تقریباً دو برابر شده است. (ر.ک. همان)

### ۲-۳- بیهقی پژوهی به گزارش یک گردآوری تحلیلی:

برای آن که کارنامه بیهقی پژوهی و نوع نگاه و نگرش محققان هم‌روزگار خود را نسبت به **تاریخ بیهقی** و نویسنده‌ی آن نشان داده باشیم، ۴۵ مقاله‌ی تحقیقی و علمی و پژوهشی در این زمینه را در بازه زمانی ۱۳۴۹ تا ۱۳۸۴ گزینش کرده‌ایم.<sup>۹</sup> کوشش شده است این مقالات در موضوعات گوناگون مربوط به **ابوالفضل بیهقی** و

کتاب تاریخش باشد که دسته بندی موضوعی آن‌ها چنین است:

- |   |              |
|---|--------------|
| ۱- اماکن تاریخی موجود در کتاب بیهقی       | چهار مقاله   |
| ۲- علم تاریخ (و تاریخ بیهقی)              | یک مقاله     |
| ۳- بررسی ساختار داستان                    | چهار مقاله   |
| ۴- سبک شناسی                              | یک مقاله     |
| ۵- شخصیت شناسی                            | هشت مقاله    |
| ۶- معرفی بیهقی و کتابش                    | دوازده مقاله |
| ۷- بررسی هنر نویسندگی بیهقی               | پنج مقاله    |
| ۸- کتاب شناسی                             | شش مقاله     |
| ۹- سایر موارد (روزنامه نگاری، دستور زبان) | چهار مقاله   |

این ۴۵ مقاله در مجلات **یغما**، **نشر دانش**، **نگاه نو**، **رشد ادب فارسی**، **کلک**، **ادبیات داستانی**، **کتاب ماه ادبیات**، **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا** و مجلات دانشگاه‌های **مشهد**، **شیراز**، **سیستان و بلوچستان** و **نامه‌ی فرهنگستان** و روزنامه‌های **اطلاعات** و **همشهری** به چاپ رسیده است.

از این ۴۵ مقاله که در مجلات یاد شده چاپ شده است فراوانی مجلات خاص، روی کرد معنی‌دار نویسندگان را نشان می‌دهد.

برای نمونه به دلیل خراسانی بودن بیهقی و نیز ارتباط کتاب با سرزمین خراسان و حتی علاقه و اشتیاق نویسندگان خراسانی به این کتاب، مجلات **دانشگاه فردوسی مشهد** و **خراسان پژوهی** ۵ مقاله را به خود اختصاص داده‌اند<sup>۱۰</sup> (بیش از ۱۰٪).

از طرف دیگر مجله‌ی **رشد ادب فارسی** که مخصوص دبیران ادبیات آموزش و پرورش است با ۸ مقاله (حدود ۲۰٪) نشان می‌دهد که به دلیل ورود بخش‌هایی از کتاب **تاریخ بیهقی** (داستان حسنک وزیر و قاضی بُست) به کتاب‌های درسی، دبیران ادبیات فارسی سراسر کشور به این کتاب علاقه نشان داده‌اند و کوشش کرده‌اند فراتر از آن چه در کلاس درس می‌گذرد، مطالبی در باب این کتاب فراهم و عرضه کنند که این اتفاق دو پیام معنی‌دار را با خود دارد: یکی ارزش حضور متون کهن فارسی در کتاب‌های درسی و تأثیر مستقیم آن و دیگر ارتباط معنی‌دار معلمان اهل قلم با مجله‌ی تخصصی خود به بهانه یک متن ادبی و سنتی.

مجله‌های **کتاب ماه ادبیات**، **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا** و **کتاب ماه کودک و نوجوان** هم با ۵ مقاله (بیش از ۱۰٪) معلوم می‌کند که به دلیل رویه‌ی تخصصی این مجله (به ویژه **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**) نویسندگان مقالات به ویژه در یک دهه‌ی اخیر به ارسال مقاله به آن راغب بوده‌اند.

همین نگاه تخصصی را می‌توان در مقاله‌ای با موضوع «زدواج در تاریخ بیهقی» یافت که در مجله زن روز به چاپ رسیده است.

## ۲-۴- کاستی‌های بیهقی‌شناسی:

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در صدی از مقالات موجود در باب **تاریخ بیهقی**، بیش‌تر اظهار نظر و طرح دیدگاه نویسندگان درباره‌ی بیهقی و کتابش می‌باشد. این که از ۴۵ مقاله، ۱۲ مقاله درباره‌ی بیهقی و کتاب او نوشته شده است (بیش از ۲۵٪) یعنی این که برخی کوشش کرده‌اند از منظر اطلاعات خود به موضوع نگاه کنند و هر چند این رویه‌ی آنان قابل سرزنش نیست اما در قبال کارهای ناشده درباره‌ی این کتاب، مسئولیت همه‌ی دوست‌داران ادب فارسی و محققان سخت‌کوش و خوش‌ذوق ما را دو چندان می‌کند. مطالعه و مرور این مقالات برگزیده نشان می‌دهد که مقاله‌ای در زمینه اشارات ادبی، تلمیحات ادبی و صورخیال فراهم نشده است یا اگر هم نوشته شده است بسامد آن اندک است<sup>۱۱</sup>. از طرفی در موضوعاتی مانند نشانه‌شناسی<sup>۱۲</sup> و مباحث نقد ادبی جدید و به ویژه اندیشه‌شناسی بیهقی (که می‌تواند بخش فکری مطالعات سبک‌شناسی را تشکیل دهد)<sup>۱۳</sup> کار کم‌تر شده است.

این درحالی است که در این زمینه کار نشده بسیار است؛ مثلاً در **تاریخ بیهقی** دفن شبانه سلطان محمود، سپردن حسنک به علی رایض (که رام‌کننده‌ی اسب است

و حسنک سرکش را به او سپرده‌اند)، کسی را به نام مادرش خطاب کردن (علی دایه) و شراب نخوردن سپهسالار در حضور شاه (که آرزوی بزرگ اهل دربار و مقربان سلطان است) مقایسه‌ی ناگهانی حسنک وزیر با حسین بی علی علیه السلام، آوردن داستان درون داستان<sup>۱۴</sup> و ... همه شایسته نگرش‌های تازه از گونه‌ی نشانه‌شناسی و ساخت‌گرایی است.

### ۳- نتیجه گیری

در مقاله حاضر ضمن ارائه گزارشی از روند چاپ **تاریخ بیهقی** و نیز توجه محققان و منتقدان به این کتاب به این نتایج رسیده‌ایم:

۱- سرزمین هند خاست‌گاه بسیاری از نسخ خطی این کتاب بوده است و علاقه‌ی مردم آن جا به این کتاب و زبان‌زد بودنش، مورلی انگلیسی را به چاپ آن در نیمه دوم قرن ۱۹ ترغیب کرده است.

۲- نزدیک به هفتاد سال میان چاپ **تاریخ بیهقی** در ایران و بیرون از ایران فاصله است. که فاصله‌ای معنا دار است.

۳- کوشش طاقت فرسای استاد فقید دکتر علی اکبر فیاض نقطه‌ی عطفی در مطالعات بیهقی پژوهی بوده است.

۴- به اندازه‌ی ارزش و اعتبار کتاب **تاریخ بیهقی**، هنوز مقالات محققانه درباره‌ی این کتاب را نیاز و نمود یافتن کارهایی جدی‌تر را انتظار داریم.

۵- نگاه درست و اصولی به کتاب **تاریخ بیهقی** و همراهی با آن (مانند آوردن متن کتاب در کتاب‌های درسی) سرآغاز برخی کوشش‌های جدی (در نوع خود) درباره‌ی این کتاب است که نگارش مقالات معلمان آموزش و پرورش مؤید آن است.

۶- نیاز کنونی، پیوند دادن مفاهیم و دانش‌ها و کارکردهای جدید در دانش‌های نقد ادبی، بلاغت، سبک‌شناسی و ... با کتاب **تاریخ بیهقی** است.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱- و حتی پیش از سلطان محمود؛ یعنی اشاراتی که به سبکتگین پدر سلطان محمود در کتاب به چشم می‌آید.

۲- این دو کتاب دقیقاً هم‌زمان با بیهقی نیستند اما دوره‌ی تاریخی آن‌ها هم‌زمانی دارد.

۳- سرزمین هند محل دست‌رسی به بسیاری از نسخ خطی **تاریخ بیهقی** بوده است.

۴- توصیف دقت محققانه‌ی دکتر فیاض را شاگرد ممتاز ایشان دکتر غلامحسین یوسفی بیان کرده است ن.ک. **برگ‌هایی در آغوش باد**، ج دوم، ص ۷۶۷ به بعد.



- ۵- این تصحیح کتاب در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۳ به پای‌مردی استاد دکتر یاحقی به شکلی جدید و آراسته تجدید چاپ شده است.
- ۶- استاد دکتر فیاض برای نسخه بدل‌های تصحیح خود با حروف لاتین علامت‌هایی نهاده بودند که می‌بایست در مقدمه‌ی چاپ خود به آن‌ها یادآور می‌شدند اما هم‌چنان که گفتیم چاپ کتاب با مرگ ناگهانی استاد هم‌زمان شد و در نتیجه این چاپ مقدمه‌ی مصحح نداشت و ناشر (دانشگاه مشهد) ناچار سخن‌رانی استاد را در هزاره بیهقی (۱۳۴۹) که اتفاقاً درباره‌ی نسخه‌های بیهقی بود، به عنوان مقدمه کتاب قرار داد.
- ۷- شگفت این است که دیوان‌های شعر در نسخه‌های گوناگون گاهی چند هزار بیت اختلاف شماره دارند، اما در نسخ **تاریخ بیهقی** هیچ افزونی مشاهده نمی‌شود که خود مؤید قصد و عمدی است در **محو** کتاب که در همان سال‌های اولیه نشر و نسخ آن وجود داشته است.
- ۸- این مقاله در کتاب **دیداری با اهل قلم** (صص ۴۹-۳) آمده است.
- ۹- کوشش ما در این گزینش جمع‌آوری مقالات پراکنده با تنوع موضوعی بوده است. از این رو به مقالات چاپ شده و به صورت کتاب درآمده (مانند **یادنامه بیهقی**) مراجعه نکردیم.
- ۱۰- شگفت این که بیش‌ترین پایان‌نامه با موضوع بیهقی هم در دانشگاه فردوسی و دانشگاه آزاد اسلامی مشهد نوشته شده است. (ر.ک. رضی، ۱۲: ۱۳۸۷)
- ۱۱- کتاب البته در موضوع صور خیال داریم. (مانند کتاب **متن در غیاب استعاره** از آقای سینا جهان‌دیده)
- ۱۲- استاد دکتر شمیسا در کتاب **نقد ادبی** خود این بحث را به طور کلی شرح داده‌اند. (ر.ک. نقد ادبی، ص ۲۱۸) اما ایشان تأکید دارند که در باب **تاریخ بیهقی** بایست کار کرد.
- ۱۳- استاد بهار در کتاب **سبک‌شناسی** (جلد دوم، ص ۶۷ به بعد) صرفاً ویژگی‌های زبانی و کم‌تر ادبی کتاب را برشمرده است.
- ۱۴- خانم والدمن در کتاب خود (**زمانه و زندگی و کارنامه بیهقی**) بخش‌هایی را به موضوع توالی داستان‌ها اختصاص داده است.

## منابع

- ۱- افشار، ایرج. (۱۳۸۴). **فهرست مقالات فارسی**، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۲- انوشه، حسن. (۱۳۸۱)، **فرهنگ‌نامه‌ی ادب فارسی**، ج ۳، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ۳- بهار، محمد تقی. (۱۳۷۰). *سبک شناسی*، چاپ ششم، تهران: امیر کبیر.
- ۴- بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۸۸). *تاریخ بیهقی*، به تصحیح دکتر محمد جعفر یاحقی و مهدی سیدی، تهران: سخن.
- ۵- جهاننیده، سینا. (۱۳۷۹). *متن در غیاب استعاره*، رشت: چوبک.
- ۶- حسینی کازرونی، سید احمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ تاریخ بیهقی*، چاپ چهارم، تهران: زوار.
- ۷- خطیب رهبر، خلیل. (۱۳۷۵). *تاریخ بیهقی*، چاپ پنجم، تهران: مهتاب.
- ۸- رضی، احمد. (۱۳۸۷). *بیهقی پژوهی در ایران*، رشت: حق شناس.
- ۹- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵). *از گذشته‌ی ادبی ایران*، تهران: الهدی.
- ۱۰- سعادت، اسماعیل. (۱۳۸۶). *دانش‌نامه زبان و ادب فارسی*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۱۱- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). *نقد ادبی*، چاپ دوم، تهران: میترا.
- ۱۲- موسوی بجنوردی، سیدکاظم. (۱۳۸۵). *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۳- والدمن، مرلین. (۱۳۷۵). *زمانه، زندگی و کارنامه بیهقی*، ترجمه‌ی منصوره‌ی اتحادیه، تهران: نشر تاریخ دیرین.
- ۱۴- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). *یادنامه‌ی ابوالفضل بیهقی*، چاپ سوم، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۱۵- یوسفی، غلامحسین. (۲۵۳۶) (۱۳۵۶)، *برگ‌هایی در آغوش باد*، تهران: قوس.
- ۱۶- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۶). *دیداری با اهل قلم*، چاپ ششم، تهران: علمی.

## Tarikh-e Beyhaghi (Beyhaghi's History) and the Literary Investigations

**Abdolreza Modarreszadeh, Ph. D.**

Associate Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Kashan Branch, Iran

### Abstract

Sadegh Hedayat and Guy de Maupassant are both outstanding writers. Sadegh Hedayat is well known among literary circles in France not only for what he wrote in French, but also for the fact that a major part of his works, if not all, have been translated into French. Maupassant is also well recognized by Iranian readers. A supporting evidence for this is that Hedayat himself was one of his readers.

For the readers of these two writers, suicide as both a subject matter in their works, and in their actual lives, is a noticeable issue. It is obvious that these two do not just concern themselves with suicide in their writings. However, the variety of their works dealing with suicide, and their detailed analysis of such an act, led us to survey eleven works of these two writers to scrutinize their characters and narrators' mental preoccupations with suicide.

**Key words:** Suicide, Literature, Hedayat, Maupassant, Determinism, Pessimism.